

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه شعراء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان



طسم ﴿١﴾

طسم

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾

این آیات کتاب روشنگر است.

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٣﴾

گویی می خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست دهی بخاطر اینکه آنها ایمان
نمی آورند!

إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ
لَهَا خَاضِعِينَ ﴿٤﴾

اگر ما اراده کنیم، از آسمان بر آنان آیه‌ای نازل می‌کنیم که گردنهایشان در برابر آن
خاضع گردد!

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا
عَنْهُ مُعْرِضِينَ ﴿٥﴾

و هیچ ذکرتازه‌ای از سوی خداوند مهربان برای آنها نمی‌آید مگر اینکه از آن روی گردان
می‌شوند!

فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَاتِهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ
يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٦﴾

آنان تکذیب کردند؛ اما بزودی اخبار (کیفر) آنچه را استهزا می کردند به آنان می رسد!

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ
كَرِيمٍ ﴿٧﴾

آیا آنان به زمین نگاه نکردند که چقدر از انواع گیاهان پرارزش در آن رویاندیم؟!

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾

در این، نشانه روشنی است (بروجود خدا)؛ ولی بیشترشان هرگز مؤمن نبوده‌اند!

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٩﴾

و پروردگار تو عزیز و رحیم است!

وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنِ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠﴾

(به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا داد که به سراغ قوم ستمگر
برو...

قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلا يَتَّقُونَ ﴿١١﴾

قوم فرعون، آیا آنان (از مخالفت فرمان پروردگار) پرهیز نمی کنند؟!

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ﴿١٢﴾

(موسی) عرض کرد: «پروردگارا! از آن بیم دارم که مرا تکذیب کنند،

وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأُرْسِلُ إِلَى
هَارُونَ ﴿١٣﴾

و سینه ام تنگ شود، و زبانم بقدر کافی گویا نیست؛ (برادرم) هارون را نیز رسالت ده (تا
مرا یاری کند)!

وَلَهُمْ عَلَىٰ ذَنْبٍ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ﴿١٤﴾

و آنان (به اعتقاد خودشان) برگردن من گناهی دارند؛ می ترسم مرا بکشند (و این رسالت به پایان نرسد)!

قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ ﴿١٥﴾

فرمود: «چنین نیست، (آنان کاری نمی‌توانند انجام دهند)! شما هر دو با آیات ما (برای هدایتشان) بروید؛ ما با شما هستیم و (سخنانتان را) می‌شنویم!

فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾

به سراغ فرعون بروید و بگویید: ما فرستاده پروردگار جهانیان هستیم؛

أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٧﴾

بنی اسرائیل را با ما بفرست! « (آنها به سراغ فرعون آمدند)؛

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرٍ

سِنِينَ ﴿١٨﴾

(فرعون) گفت: «آیا ما تو را در کودکی در میان خود پرورش ندادیم، و سالهایی از
زندگیت را در میان ما نبودی؟!»

وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ
الْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾

و سرانجام، آن کارت را (که نمی بایست انجام دهی) انجام دادی (و یک نفر از ما را
کشتی)، و تو از ناسپاسانی!

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ ﴿٢٠﴾

(موسی) گفت: «من آن کار را انجام دادم در حالی که از بی خبران بودم!

فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَ
جَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢١﴾

پس هنگامی که از شما ترسیدم فرار کردم؛ و پروردگارم به من حکمت و دانش بخشید،
و مرا از پیامبران قرار داد!

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدَتْ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٢٢﴾

آیا این منتی است که تو بر من می‌گذاری که بنی اسرائیل را برده خود ساخته‌ای؟!»

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٣﴾

فرعون گفت: «پروردگار عالمیان چیست؟!»

قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنُتُمْ
مُوقِنِينَ ﴿٢٤﴾

(موسی) گفت: «پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، اگر اهل یقین
هستید!».

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلا تَسْمِعُونَ ﴿٢٥﴾

(فرعون) به اطرافیاناش گفت: «آیا نمی شنوید (این مرد چه می گوید)؟!»

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٦﴾

(موسی) گفت: «او پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست!»

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ ﴿٢٧﴾

(فرعون) گفت: «پیامبری که بسوی شما فرستاده شده مسلماً دیوانه است!»

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ
تَعْقِلُونَ ﴿٢٨﴾

(موسی) گفت: «او پروردگار مشرق و مغرب و آنچه میان آن دو است می باشد، اگر شما
عقل و اندیشه خود را به کار می گرفتید!»

قَالَ لِّئِنْ أَخَذْتُ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنْ
الْمَسْجُونِينَ ﴿٢٩﴾

(فرعون خشمگین شد و) گفت: «اگر معبودی غیر از من برگزینی، تو را از زندانیان قرار
خواهم داد!»

قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ ﴿٣٠﴾

(موسی) گفت: «حتی اگر نشانه آشکاری برای تو بیاورم (باز ایمان نمی آوری)؟!»

قَالَ فَأَتِ بِهِ إِنَّ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣١﴾

گفت: «اگر راست می گویی آن را بیاور!»

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿٣٢﴾

در این هنگام موسی عصای خود را افکند، و ناگهان مار عظیم و آشکاری شد؛

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ ﴿٣٣﴾

و دست خود را (در گریبان فرو برد و) بیرون آورد، و در برابر بینندگان سفید و روشن بود.

قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾

(فرعون) به گروهی که اطراف او بودند گفت: «این ساحر آگاه و ماهری است!

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا
تَأْمُرُونَ ﴿٣٥﴾

او می خواهد با سحرش شما را از سرزمینتان بیرون کند! شما چه نظر می دهید؟»

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿٣٦﴾

گفتند: «او و برادرش را مهلت ده؛ و مأموران را برای بسیج به تمام شهرها اعزام کن،

يَأْتُونَكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ ﴿٣٧﴾

تا هر ساحر ماهر و دانایی را نزد تو آورند!

فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٣٨﴾

سرانجام ساحران برای وعده‌گاه روز معینی جمع‌آوری شدند.

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ ﴿٣٩﴾

و به مردم گفته شد: «آیا شما نیز (در این صحنه) اجتماع می کنید...»

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴿٤٠﴾

تا اگر ساحران پیروز شوند، از آنان پیروی کنیم؟!»

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَإِنَّا لَنَأْجُرُكَ إِنَّا
كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿٤١﴾

هنگامی که ساحران آمدند، به فرعون گفتند: «آیا اگر ما پیروز شویم، پاداش مهمی خواهیم داشت؟»

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٢﴾

گفت: «(آری،) و در آن صورت شما از مقربان خواهید بود!»

قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٤٣﴾

(روز موعود فرا رسید و همگی جمع شدند؛) موسی به ساحران گفت: «آنچه را می‌خواهید بیفکنید، بیفکنید!»

فَأَلْقُوا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا
لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ ﴿٤٤﴾

آنها طنابها و عصاهای خود را افکندند و گفتند: «به عزّت فرعون، ما قطعاً پیروزیم!»

فَالْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿٤٥﴾

سپس موسی عصایش را افکند، ناگهان تمام وسایل دروغین آنها را بلعید!

فَالْقِي السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ﴿٤٦﴾

فوراً همه ساحران به سجده افتادند.

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾

گفتند: «ما به پروردگار عالمیان ایمان آوردیم،

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ ﴿٤٨﴾

پروردگار موسی و هارون!

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي
 عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَا أَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ
 وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَا أَصْلَبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٩﴾

(فرعون) گفت: «آیا پیش از اینکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟! مسلماً او بزرگ و استاد شماست که به شما سحر آموخته (و این یک توطئه است)! اما بزودی خواهید دانست! دستها و پاهاى شما را بعکس یکدیگر قطع می‌کنم، و همه شما را به دار می‌آویزم!»

قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ﴿٥٠﴾

گفتند: «مهم نیست، (هرکاری از دستت ساخته است بکن)! ما بسوی پروردگارمان
بازمی گردیم!

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ
الْمُؤْمِنِينَ ﴿٥١﴾

ما امیدواریم که پروردگارمان خطاهای ما را ببخشد، چرا که ما نخستین
ایمان آورندگان بودیم!

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُمْ مُّتَّبِعُونَ ﴿٥٢﴾

و به موسی وحی کردیم که شبانه بندگانم را (از مصر) کوچ ده، زیرا شما مورد تعقیب هستید!»

فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿٥٣﴾

فرعون (از این ماجرا آگاه شد و) مأموران بسیج نیرو را به شهرها فرستاد،

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ ﴿٥٤﴾

(و گفت:) اینها مسلماً گروهی اندکند؛

وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ ﴿٥٥﴾

و اینها ما را به خشم آورده‌اند؛

وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَازِرُونَ ﴿٥٦﴾

و ما همگی آماده پیکاریم!

فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٧﴾

(سرانجام فرعونیان مغلوب شدند،) و ما آنها را از باغها و چشمه ها بیرون راندیم،

وَ كُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٥٨﴾

و از گنجها و قصرهای مجلل!

كَذٰلِكَ وَاَوْرَثْنَاهَا بِنِيْ اِسْرَآئِيْلَ ﴿٥٩﴾

(آری،) اینچنین کردیم! و بنی اسرائیل را وارث آنها ساختیم!

فَاتَّبِعُوهُمْ مَّشْرِقِينَ ﴿٦٠﴾

آنان به تعقیب بنی اسرائیل پرداختند، و به هنگام طلوع آفتاب به آنها رسیدند.

فَلَمَّا تَرَاءَى الْجُمُعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا
لَمُدْرَكُونَ ﴿٦١﴾

هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: «ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم!»

قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٦٢﴾

(موسی) گفت: «چنین نیست! یقیناً پروردگارم با من است، بزودی مرا هدایت خواهد کرد!»

أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ
فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ ﴿٦٣﴾

و بدنبال آن به موسی وحی کردیم: «عصایت را به دریا بزن!» (عصایش را به دریا زد،) و دریا از هم شکافته شد، و هر بخشی همچون کوه عظیمی بود!

وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ الْآخِرِينَ ﴿٦٤﴾

و در آنجا دیگران [لشکر فرعون] را نیز (به دریا) نزدیک ساختیم!

وَأَنْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَّعَهُ أَجْمَعِينَ ﴿٦٥﴾

و موسی و تمام کسانی را که با او بودند نجات دادیم!

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ ﴿٦٦﴾

سپس دیگران را غرق کردیم!

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٦٧﴾

در این جریان، نشانه روشنی است ولی بیشترشان ایمان نیاوردند! (چرا که طالب حق نبودند)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾

و پروردگارت شکست ناپذیر و مهربان است!

وَاقْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾

و بر آنان خبر ابراهیم را بخوان،

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٧٠﴾

هنگامی که به پدر و قومش گفت: «چه چیز را می پرستید؟!»

قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظِلُّ لَهَا عَاكِفِينَ ﴿٧١﴾

گفتند: «بت‌هایی را می‌پرستیم، و همه روز ملازم عبادت آنها مییم.»

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ﴿٧٢﴾

گفت: «آیا هنگامی که آنها را می خوانید صدای شما را می شنوند؟!»

أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ ﴿٧٣﴾

یا سود و زیانی به شما می‌رسانند؟!»

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذِبًا يُفْعَلُونَ ﴿٧٤﴾

گفتند: «ما فقط نیاکان خود را یافتیم که چنین می‌کنند.»

قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٧٥﴾

گفت: «آیا دیدید (این) چیزهایی را که پیوسته پرستش می کردید...

أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ ﴿٧٦﴾

شما و پدران پیشین شما،

فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٧﴾

همه آنها دشمن من هستند (و من دشمن آنها)، مگر پروردگار عالمیان!

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿٧٨﴾

همان کسی که مرا آفرید، و پیوسته راهنمائی می کند،

وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿٧٩﴾

و کسی که مرا غذا می دهد و سیراب می نماید،

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿١٠﴾

و هنگامی که بیمار شوم مرا شفا می دهد،

وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿٨١﴾

و کسی که مرا می میراند و سپس زنده می کند،

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ﴿٨٢﴾

و کسی که امید دارم گناهم را در روز جزا ببخشد!

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿١٣﴾

پروردگارا! به من علم و دانش ببخش، و مرا به صالحان ملحق کن!

وَأَجْعَلْ لِّي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٨٤﴾

و برای من در میان اُمتهای آینده، زبان صدق (و ذکر خیری) قرار ده!

وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ ﴿١٥﴾

و مرا وارثان بهشت پر نعمت گردان!

وَاعْفِرْ لِأَيِّ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ ﴿١٦﴾

و پدرم [عمویم] را بیامرز، که او از گمراهان بود!

وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ ﴿٨٧﴾

و در آن روز که مردم برانگیخته می شوند، مرا شرمنده و رسوا مکن!

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿١٨٨﴾

در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی بخشد،

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿١٩﴾

مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید!

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٩٠﴾

(در آن روز، بهشت برای پرهیزکاران نزدیک می شود،

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ ﴿٩١﴾

و دوزخ برای گمراهان آشکار می گردد،

وَقِيلَ لَهُمْ أَئِنَّ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٩٢﴾

و به آنان گفته می شود: «کجا هستید معبودانی که آنها را پرستش می کردید...»

مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ ﴿٩٣﴾

معبودهایی غیر از خدا؟! آیا آنها شما را یاری می کنند، یا کسی به یاری آنها می آید؟!»

فَكُفُّوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ ﴿٩٤﴾

در آن هنگام همه آن معبودان با عابدان گمراه به دوزخ افکنده می شوند؛

وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ ﴿٩٥﴾

و همچنین همگی لشکریان ابلیس!

قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ ﴿٩٦﴾

آنها در آنجا در حالی که به مخاصمه برخاسته اند می گویند:

تَاللّٰهِ اِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٩٧﴾

«به خدا سوگند که ما در گمراهی آشکاری بودیم،»

إِذْ نُسَوِّيكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٩٨﴾

چون شما را با پروردگار عالمیان برابر می شمردیم!

وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ ﴿٩٩﴾

اما کسی جز مجرمان ما را گمراه نکرد!

فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ ﴿۱۰۰﴾

(افسوس که امروز) شفاعت‌کنندگانی برای ما وجود ندارد،

وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ﴿١٠١﴾

و نه دوست گرم و پرمحبّتی!

فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٢﴾

ای کاش بار دیگر (به دنیا) بازگردیم و از مؤمنان باشیم!

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾

در این ماجرا، نشانه (و عبرتی) است؛ ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند!

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾

و پروردگار تو عزیز و رحیم است!

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٠٥﴾

قوم نوح رسولان را تکذیب کردند، قوم نوح رسولان را تکذیب کردند،

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٠٦﴾

هنگامی که برادرشان نوح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! »

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٠٧﴾

مسلماً من برای شما پیامبری امین هستم!

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۰۸)

تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿١٠٩﴾

من برای این دعوت، هیچ مزدی از شما نمی طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار عالمیان
است!

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١١٠﴾

پس، تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

قَالُوا أَنْوْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ ﴿۱۱۱﴾

گفتند: «آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که افراد پست و بی ارزش از تو پیروی کرده‌اند؟!»

قَالَ وَمَا عَلَّمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٢﴾

(نوح) گفت: «من چه می دانم آنها چه کاری داشته اند!

إِنَّ حِسَابَهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوُتَشْعُرُونَ ﴿١١٣﴾

حساب آنها تنها با پروردگار من است اگر شما می فهمیدید!

وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٤﴾

و من هرگز مؤمنان را طرد نخواهم کرد.

إِنَّا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿١١٥﴾

من تنها اندازنده‌ای آشکارم.»

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ ﴿١١٦﴾

گفتند: «ای نوح! اگر (از حرفهایت) دست برداری، سنگباران خواهی شد!»

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذِبُونَ ﴿١١٧﴾

گفت: «پروردگارا! قوم من، مرا تکذیب کردند!

فَاَفْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٨﴾

اکنون میان من و آنها جدایی بیفکن؛ و مرا و مؤمنانی را که با من هستند رهایی
بخش!

فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ ﴿١١٩﴾

ما، او و کسانی را که با او بودند، در آن کشتی که پر (از انسان و انواع حیوانات) بود،
رهایی بخشیدیم!

ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ ﴿١٢٠﴾

سپس بقیه را غرق کردیم!

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٢١﴾

در این ماجرا نشانه روشنی است؛ اما بیشتر آنان مؤمن نبودند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٢٢﴾

و پروردگار تو عزیز و رحیم است.

كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾

قوم عاد (نیز) رسولان (خدا) را تکذیب کردند،

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾

هنگامی که برادرشان هود گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟!»

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٢٥﴾

مسلماً من برای شما پیامبری امین هستم.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۲۶)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿١٢٧﴾

من در برابر این دعوت، هیچ اجرو پاداشی از شما نمی طلبم؛ اجرو پاداش من تنها بر
پروردگار عالمیان است.

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ ﴿١٢٨﴾

آیا شما بر هر مکان مرتفعی نشانه‌ای از روی هوا و هوس می‌سازید؟!

وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ﴿١٢٩﴾

و قصرها و قلعه های زیبا و محکم بنا می کنید شاید در دنیا جاودانه بمانید؟!

وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ ﴿١٣٠﴾

و هنگامی که کسی را مجازات می کنید همچون جباران کیفر می دهید!

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۳۱)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ ﴿١٣٢﴾

و از (نافرمانی) خدایی پرهیزید که شما را به نعمتهایی که می دانید امداد کرده؛

أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ ﴿١٣٣﴾

شما را به چهارپایان و نیزپسران (لایق و برومند) امداد فرموده؛

وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿۱۳۴﴾

همچنین به باغها و چشمه ها!

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٣٥﴾

(اگر کفران کنید،) من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم!

قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنْ
الْوَاعِظِينَ ﴿١٣٦﴾

آنها [قوم عاد] گفتند: «برای ما تفاوت نمی‌کند، چه ما را انداز کنی یا نکنی؛ (بیهوده
خود را خسته مکن)!

إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣٧﴾

این همان روش (و افسانه‌های) پیشینیان است!

وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ ﴿١٣٨﴾

و ما هرگز مجازات نخواهیم شد!

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ
أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾

آنان هود را تکذیب کردند، ما هم نابودشان کردیم؛ و در این، آیت و نشانه‌ای است (برای
آگاهان)؛ ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند!

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٤٠﴾

و پروردگار تو عزیز و رحیم است!

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٤١﴾

قوم ثمود رسولان (خدا) را تکذیب کردند،

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٤٢﴾

هنگامی که صالح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟!»

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٤٣﴾

من برای شما پیامبری امین هستم!

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۴۴)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿١٤٥﴾

من در برابر این دعوت، اجرو پاداشی از شما نمی طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار
عالمیان است!

أَتُركُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ ﴿١٤٦﴾

آیا شما تصوّر می‌کنید همیشه در نهایت امنیّت در نعمتهایی که اینجا است می‌مانید،

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٤٧﴾

در این باغها و چشمه ها،

وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلَعُهَا هَٰضِمٌ ﴿١٤٨﴾

در این زراعتها و نخلهایی که میوه‌هایش شیرین و رسیده است؟!

وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ ﴿١٤٩﴾

و از کوهها خانه‌هایی می تراشید، و در آن به عیش و نوش می پردازید!

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٥٠﴾

پس از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید!

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ﴿١٥١﴾

و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید!

الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿١٥٢﴾

همانها که در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی کنند!

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ﴿١٥٣﴾

گفتند: «(ای صالح!) تو از افسون شدگانی (و عقل خود را از دست داده‌ای!)»

مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ
الصَّادِقِينَ ﴿١٥٤﴾

تو فقط بشری همچون مائی؛ اگر راست می‌گویی آیت و نشانه‌ای بیاور!

قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿١٥٥﴾

گفت: «این ناقه‌ای است (که آیت الهی است) برای او سهمی (از آب قریه)، و برای شما سهم روز معینی است!

وَلَا تَمْسُوْهَا بِسُوْءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيْمٍ ﴿١٥٦﴾

کمترین آزاری به آن نرسانید، که عذاب روزی بزرگ شما را فرا خواهد گرفت!

فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَادِمِينَ ﴿١٥٧﴾

سرانجام بر آن (ناقه) حمله نموده آن را «پی» کردند؛ (و هلاک نمودند) سپس از کرده
خود پشیمان شدند!

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ
أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٥٨﴾

و عذاب الهی آنان را فرا گرفت؛ در این، آیت و نشانه‌ای است؛ ولی بیشتر آنان مؤمن
نبودند!

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٥٩﴾

و پروردگار تو عزیز و رحیم است!

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٦٠﴾

قوم لوط فرستادگان (خدا) را تکذیب کردند،

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٦١﴾

هنگامی که برادرشان لوط به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟!»

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٦٢﴾

من برای شما پیامبری امین هستم!

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۶۳)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿١٦٤﴾

من در برابر این دعوت، اجری از شما نمی طلبم، اجر من فقط بر پروردگار عالمیان
است!

أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٥﴾

آیا در میان جهانیان، شما به سراغ جنس ذکور می روید (و همجنس بازی می کنید، آیا این زشت و ننگین نیست؟!)

وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ
أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ﴿١٦٦﴾

و همسرانی را که پروردگارتان برای شما آفریده است رها می کنید؟! (حقاً) شما قوم
تجاوزگری هستید!

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ

﴿۱۶۷﴾

گفتند: «ای لوط! اگر (از این سخنان) دست برنداری، به یقین از اخراج شدگان خواهی بود!»

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ ﴿١٦٨﴾

گفت: «من دشمن سرسخت اعمال شما هستم!

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٩﴾

پروردگارا! من و خاندانم را از آنچه اینها انجام می دهند رهایی بخش!

فَنَجِّينَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿١٧٠﴾

ما او و تمامی خاندانش را نجات دادیم،

إِلَّا عَجُوزاً فِي الْغَابِرِينَ ﴿١٧١﴾

جز پیرزنی که در میان بازماندگان بود!

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ﴿١٧٢﴾

سپس دیگران را هلاک کردیم!

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذِرِينَ ﴿١٧٣﴾

و بارانی (از سنگ) بر آنها فرستادیم؛ چه باران بدی بود باران اندازندگان!

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

﴿۱۷۴﴾

در این (ماجرای قوم لوط و سرنوشت شوم آنها) آیتی است؛ اما بیشترشان مؤمن نبودند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٧٥﴾

و پروردگار تو عزیز و رحیم است!

كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧٦﴾

اصحاب ايكه [شهری نزديک مدين] رسولان (خدا) را تکذيب کردند،

إِذْ قَالَ لَهُمُ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾

هنگامی که شعیب به آنها گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! »

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٧٨﴾

مسلماً من برای شما پیامبری امین هستم!

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۷۹)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿١٨٠﴾

من در برابر این دعوت، پاداشی از شما نمی طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار عالمیان
است!

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ﴿١٨١﴾

حق پیمانہ را ادا کنید (و کم فروشی نکنید)، و دیگران را به خسارت نیفکنید!

وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ﴿١٨٢﴾

و با ترازوی صحیح وزن کنید!

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ
مُفْسِدِينَ ﴿١٨٣﴾

و حق مردم را کم نگذارید، و در زمین تلاش برای فساد نکنید!

وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٨٤﴾

و از (نافرمانی) کسی که شما و اقوام پیشین را آفرید بپرهیزید!

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ﴿١٨٥﴾

آنها گفتند: «تو فقط از افسون شدگانی!

وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِینَ
الْكَاذِبِینَ ﴿۱۸۶﴾

تو بشری همچون مائی، تنها گمانی که درباره تو داریم این است که از دروغگویانی!

فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنِّ كُنْتُ مِنَ
الصَّادِقِينَ ﴿١٨٧﴾

اگر راست می گویی، سنگهایی از آسمان بر سر ما بباران!

قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨٨﴾

(شعیب) گفت: «پروردگار من به اعمالی که شما انجام می دهید داناتر است!»

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ
عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٨٩﴾

سرانجام او را تکذیب کردند، و عذاب روز سایبان (سایبانی از ابر صاعقه خیز) آنها را
فراگرفت؛ یقیناً آن عذاب روز بزرگی بود!

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٩٠﴾

در این ماجرا، آیت و نشانه‌ای است؛ ولی بیشتر آنها مؤمن نبودند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٩١﴾

و پروردگار تو عزیز و رحیم است!

وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٩٢﴾

مسلمانان این (قرآن) از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است!

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾

روح الامين آن را نازل کرده است...

عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ ﴿١٩٤﴾

بر قلب (پاک) تو، تا از اندازندگان باشی!

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ﴿١٩٥﴾

آن را به زبان عربی آشکار (نازل کرد)!

وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٩٦﴾

و توصیف آن در کتابهای پیشینیان نیز آمده است!

أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي
إِسْرَائِيلَ ﴿١٩٧﴾

آیا همین نشانه برای آنها کافی نیست که علمای بنی اسرائیل بخوبی از آن آگاهند؟!

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ﴿١٩٨﴾

هرگاه ما آن را بر بعضی از عجم [غیر عرب] ها نازل می کردیم ...

فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿١٩٩﴾

و او آن را برایشان می خواند، به آن ایمان نمی آوردند!

كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٠٠﴾

(آری،) این گونه (با بیانی رسا) قرآن را در دلهای مجرمان وارد می‌کنیم!

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٢٠١﴾

(اَمَّا) به آن ايمان نمى آورند تا عذاب دردناک را با چشم خود ببينند!

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٠٢﴾

ناگهان به سراغشان می آید، در حالی که توجه ندارند!

فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ ﴿٢٠٣﴾

و (در آن هنگام) می گویند: «آیا به ما مهلتی داده خواهد شد؟!»

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿٢٠٤﴾

آیا برای عذاب ما عجله می کنند؟!

أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ﴿٢٠٥﴾

به ما خبرده، اگر (باز هم) سالیانی آنها را از این زندگی بهره‌مند سازیم...

ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٢٠٦﴾

سپس عذابی که به آنها وعده داده شده به سراغشان بیاید...

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ ﴿٢٠٧﴾

این تمتع و بهره‌گیری از دنیا برای آنها سودی نخواهد داشت!

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ ﴿٢٠٨﴾

ما هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه انداز کنندگانی (از پیامبران الهی) داشتند.

ذِكْرِي وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٠٩﴾

تا متذکر شوند؛ و ما هرگز ستمکار نبودیم! (که بدون اتمام حجت مجازات کنیم)

وَمَا تَنْزَّلُ بِهِ الشَّيَاطِينُ ﴿٢١٠﴾

شیاطین و جنیان (هرگز) این آیات را نازل نکردند!

وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٢١١﴾

و برای آنها سزاوار نیست؛ و قدرت ندارند!

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ ﴿٢١٢﴾

آنها از استراق سمع (و شنیدن اخبار آسمانها) برکنارند!



فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذِّبِينَ ﴿٢١٣﴾

(ای پیامبر!) هیچ معبودی را با خداوند مخوان، که از معذبین خواهی بود!

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ﴿٢١٤﴾

و خویشاوندان نزديكت را انداز كن!

وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢١٥﴾

و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند بگستر!

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيٌّ مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢١٦﴾

اگر تو را نافرمانی کنند بگو: «من از آنچه شما انجام می‌دهید بیزارم!»

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿٢١٧﴾

و بر خداوند عزیز و رحیم توکل کن!

الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٢١٨﴾

همان کسی که تو را به هنگامی که (برای عبادت) برمی خیزی می بیند؛

وَتَقْلُبُكَ فِي السَّاجِدِينَ ﴿٢١٩﴾

و (نیز) حرکت تو را در میان سجده کنندگان!

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٢٢٠﴾

اوست خدای شنوا و دانا.

هَلْ أَنْبِئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنْزَلُ الشَّيَاطِينُ ﴿٢٢١﴾

آیا به شما خبر دهم که شیاطین بر چه کسی نازل می شوند؟!

تَنْزَلُ عَلَى كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿٢٢٢﴾

آنها بر هر دروغگوی گنهگار نازل می گردند؛

يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ ﴿٢٢٣﴾

آنچه را می شنوند (به دیگران) القا می کنند؛ و بیشترشان دروغگو هستند!

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿٢٢٤﴾

(پیامبر اسلام شاعر نیست؛) شاعران کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می کنند.

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ﴿٢٢٥﴾

آیا نمی بینی آنها در هر وادی سرگردانند؟

وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ﴿٢٢٦﴾

و سخنانی می گویند که (به آنها) عمل نمی کنند؟!!

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ
كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ
ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴿٢٢٧﴾

مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می دهند و خدا را بسیار یاد
می کنند، و به هنگامی که مورد ستم واقع می شوند به دفاع از خویشتن (و مؤمنان)
برمی خیزند (و از شر در این راه کمک می گیرند)؛ آنها که ستم کردند به زودی می دانند
که بازگشتشان به کجاست!

صدق الله العلي العظيم